

داکتر لطیف طبیبی

"مدیریت توحش" و یا مانیفست داعش؛

فرقه های مذهبی؛ اقلیت های قومی؛ لانه سیاست های استعماری؛ در شرق میانه

اشاره ی به ساختار داعش

بعد از نشر کتاب "مدیریت توحش و یا مانیفست توحش" به عربی و ترجمه آن به انگلیسی (1) از ابوبکر الناجی و اعمال وحشت انگیز داعش، باعث شد که دانشگاه هاروارد پژوهشگرانی چون حسن حسن، تحلیلگر موسسه دلما مرکزی تحقیقاتی در ابوظبی به طور مشترک با مایکل ویس امریکایی، ایدئولوژی مدیریت توحش را از درون مورد بررسی قرار دهند. در بخشی از این تحقیق آمده است که ما، برای نگارش کتابی در مورد داعش، دست به تحقیقی زدیم که بخشی از آن شامل مصاحبه های با اعضای داعش می شود. ما بر این اساس افرادی که در عضویت داعش موثر بوده است، آنها را به شش دسته تقسیم کردیم. که از میان آنها نیروی های محرک حداقل دو دسته از تمام اعضا بودند. این دو دسته بیش از همه چیز مذهبی بودند. یکی دسته، شامل تکفیری های سابقه دار یعنی (افراطی هایی که معتقدند سایر مسلمانان کافر هستند) و دسته دیگر، متعصبان جوان، که نقشی محوری در میان سایر اعضا دارند.

آموزش دینی هر عضو با عضو دیگر متفاوت است. براساس ارزیابی گروه داعش میزان آموزش فرد براساس ارزش وفاداری او بداعش صورت میگیرد. این آموزش به اعضای جدید می تواند، دو هفته، یک ماه، چهل و پنج روز، شش ماه، و یا حتی یک سال به طول بیانجامد. در داخل اردوگاه ها، دانش آموزان ترکیبی از آموزش های نظامی، سیاسی و شریعتی را دریافت می کنند که معمولاً حدود پنج استاد در آن نقش دارند. در طول مدت آموزش، اعضای جدید ممکن است در وظایف نظامی و بازرسی به کار گرفته شوند، اما به خط مقدم جبهه فرستاده نمی شوند. پس از پایان دوره، آنها همچنان تحت نظر باقی می مانند و در صورت عدم فرمانبرداری ممکن است اخراج شده یا تنبیه شوند. در برخی موارد، اعضای جدیدی قادر به هضم میزان توحش اعمالی که داعش انجام می دهد نیستند. دوباره به اردوگاه تعلیمی فرستاده می شوند تا بیشتر آموزش ببینند و ایمانشان "تقویت" شود.

به روحانی هایی که مسئولیت آموزش دینی را برعهده دارند، «شارع، یعنی پیدا کننده راه دین» گفته می شود، آنها عمدتاً صلاحیت زیادی داشته و از سابقه طولانی ای در رده های این سازمان برخوردارند. داعش همچنین برای تامین امام جماعت برای حدود بیست مسجدی که در شهرهایی که به اشغالش درمی آمده، از روحانیان جوانی که به تازگی عضو داعش شده اند، بهره می جوید. این گروه اغلب از ملاهای جماعتی که آموزش های محدودی داشته اند برای سخنرانی در منبر های شرق سوریه و غرب عراق استفاده می کند. مساجد این نواحی قبل از اینکه به دست داعش بیافتند، در اختیار صوفیان نقشبندی بودند. (داعش همچنین در راستای سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن، از برخی امامان جماعت محلی برای شوراندن ساکنین محلی علیه یکدیگر را استفاده می کنند.) این امامان عمدتاً درباره سه مفهوم کلیدی که میان همه سلفی ها و گروه های جهادی مشترک است، هم نظر اند. اما داعش برداشت خاص خود را از آنها دارد که به خطابه

می‌پردازند: توحید (یکتاپرستی مطلق)، بدعت (انحراف در مسائل دینی) و الی و الی (وفاداری به اسلام و عدم وفاداری به هر چیزی غیر از اسلام).

ابوموسی می‌گوید: "مردم می‌گویند که دولت (منظورش داعش است) مسلمانان را دفع می‌کند. ما اینکار را نمی‌کنیم. بلکه، ما تحمل کسی که ضد پیام ما باشد را نداریم. ما چرا با ارتش سوریه می‌جنگیم؟ ما پیامان را با شمشیر بسط می‌دهیم. ابن تیمیه گفته است: "اساس این دین یک کتاب است که هدایت می‌کند و یک شمشیر که پیروزی می‌آورد". ما هدایت می‌کنیم و شمشیر پیروزی می‌آورد. اگر کسی با پیام رسول مخالفت کند، سزایش چیزی جز شمشیر نیست. همانطور که پیامبر پیامش را بر زمین گسترده، ما هم همین کار را می‌کنیم .

یک عضو دیگر هم بر صحبت های ابوموسی صحه می‌گذارد، می‌گوید: " کشتن‌ها، سربریدن‌ها و به صلیب‌کشیدن‌ها در قرآن و سنت - (گفته‌های شفاهی که به پیامبر اسلام نسبت داده می‌شوند) آمده است. در ویدیوهایی که ما درست می‌کنیم، شما جمله " پس چون برآنان دست یابی چندان به تهدید و مجازات آنان پرداز که پیروانشان را پراکنده سازی، باشد که متذکر شوند". " این آیه خودش گویای همه چیز است" ..

سر تا پای کتاب مانیفست داعش و مصاحبه های حسن حسن و مایکل ویس که در پیش از آن ذکر شد، فقط بیانی برای تیرئه عمل کرد بربریت داعش از نگاه عقیده ی مذهبی آنها است. واقعیت این است که از زمان گسترش اسلام تا اکنون فرقه گرایی مذهبی در اسلام وجود داشته است. اسلام در مکه صورت یک جامعه مذهبی را داشت ولی در مدینه به صورت یک جامعه سیاسی در آمد. تبدیل بعدی این جامعه محلی به یک امپراطوری جهانی، کاری بود که صرفاً به ابتکار جانشینان محمد انجام گرفت و نه به ابتکار خود محمد یا به رهنمود او، زیرا هیچ مدرکی در دست نیست که محمد خود چنین برنامه را طرح کرده باشد یا به اجرای بعدی آن از خودش دستور داده باشد. گسترش بعدی توسط جنگ گروه های مذهبی اعراب بخاطر غارت مال و ثروت بود.

ده تن از نزدیکترین صحابه او که از همان زمان زندگی پیامبر با او بودند و بنام " عشره مبشره " یاد می‌شوند و از جانب وی بهشتی شناخته شدند. کسانی که بطور مسلم در دنیای دیگر به بهشت خواهند رفت. این بهشتیان ده گانه عبارتند از خلفای راشدین به اضافه طلحه وزبیر، ابو عبیده ، سعید بن زید، سعد ابن ابی وقاص و عبدالرحمن بن عوف که همه آنها بعد از خود محمد درگذشتند. قرار گزارش طبری که ترازنامه حد اقل هفت تن از آنها بیانگر گویایی این است که در راه ثروت اندوزی بی حساب از محل غنیمت گیریها و برده فروشی ها و غارت مغلوب شدگان تا کجا پیش رفته بودند .

قرار نبشه ابن خلدون به نقل از مقدمه فصول 27 و 28 "...لازم به تذکر است که فتوحات عرب همیشه سقوط تمدنها را بدنبال آورده است، زیرا شهرهای آباد از ساکنان خود تهی شده اند و زمینها بصورتی جز آن درآمده اند که بوده اند. یمن بجز در چند شهر خود به ویرانی گراییده است. تمدن ایرانی در عراق بکلی ویران شده است، و همین وضع را در شام می توان یافت. هلالی ها و بنوسلیم ها که تا تانس و مراکش پیش رفتند و بمدت 350 سال در آنجا برای استلای خود جنگیدند و سر انجام در آنجا مستقر شدند همه جلگه هایشان را به ویرانی کشاندند. ناحیه میان بحرالروم " مدیترانه" و سودان چنانکه بقایای آثار تمدن آن از قبیل ابنیه و حجاری های عظیم و روستاها نشان میدهند منطقه ای مسکونی و آباد بود و امروز صحرايي بیش نیست "...

قرار نبشته پژوهشگران هارورد یکی از موضوعات جالبی که در تحقیق خود به آن رسیدیم این است که داعش اسلام "جریان اصلی" را که امروزه مبنای دیانت مسلمانان است را "ابداعی" می‌داند که در چند دهه اخیر پدید آمده است. داعش برای افشای این اسلام به قول خودش "ابداعی"، آگاهانه در شریعت و تاریخ اسلام کند و کاو می‌کند تا برای خوانش عجیب خود از اسلام دلیلی بیابد و سپس آن را در بوق و کرنا کند. داعش این کار را می‌کند تا اعضای بالقوه‌اش را متحیر کند و نشان دهد که اسلامی که تبلیغ می‌کند، اسلامی خالص و حقیقی است که بوسیله اسلام "جریان اصلی" پنهان شده است. در هفته اخیر، داعش افراد متهم به همجنسگرایی را از ساختمان های بلندمنزل پایین انداخته‌اند. این روش مجازات شرعی، حتی در کشورهایی همچون عربستان سعودی که علناً قوانین شریعت را اجرا می‌کنند، نیز اجرا نمی‌شود.

(یورگن توتن حفر) یکی از خبرنگار های معرف آلمان که مدتی در موصل تحت سلطه داعش سپری نموده است، با بی بی سی مصاحبه داشت. او از نزدیک شاهد زندگی نا رضائی مردم سنی که تحت حکومت داعش حیات بسر می برند، بوده است. در هفته های گذشته مجله اشپیگل گزارشاتی را در باره داعش بچاپ رسانده است. قرار گزارش اشپیگل که صاحبمنصبان ورزیده گارد ملی صدام حسین در کادر رهبری قرار دارند. سمیر عبد محمد الخلیفای اسم اصلی یک عراقی بلند قامت است، با گونه های استخوانی و ریش سفید، در دهه پنجاه عمر خود که بنا بر اسناد منتشر شده توسط اشپیگل نقش کلیدی را در پیشرفت خارق العاده و سریع گروه اسلامگرای افراطی داعش بازی کرده است. اما هیچکس او را به این نام نمی شناخته و حتی تعداد اندکی نام مستعار او "حاجی بکر" را می دانستند.

به گزارش اشپیگل، بخشی از موفقیت داعش و تسلط آن بر شمال سوریه و غرب عراق، مدیون کارهای بکر است. وی حکومتی با مشخصه های مشت آهنین، هوشیاری اطلاعاتی بالا و خشونت بی حد و مرز در برابر هر نوع مخالفت را از حکومت صدام الگوبرداری کرد که کنعان مکیه، نویسنده عراقی از آن با عنوان "جمهوری وحشت" یاد کرده است. نکته جالب دیگر گزارش اشپیگل راجع همیاری برخی بانک ها اروپا درباره وضع اقتصادی داعش است.

مذهب و عوامل داخلی

واقعیت این است که مذاهب در تمام جوامع انسانی از زمان پیدایش خود سدی علیه شکوفائی فرهنگی و اجتماعی بوده و هست و امروز مذهب در جوامع دین سالار یکی از عوامل عمده عقب ماندگی این جوامع به مقایسه دنیای مدرن بشمار می رود. در برخی از جوامع صنعتی پیشرفته هنوز پیروان دین به نوعی در لانه‌های دینی، روحیه جوانان را ضد مدرنیسم و آزادی زن تقویه می نمایند. ولی به نسبت قدرت اقتصاد و طبقات اقتصادی قوی که این جوامع دارند، مذهب را برنگ و بوی منافع اقتصادی و اجتماعی خود سوق دادند و می دهند و مذهب را به شکلی سیاسی که می خواهند مهار میکنند.

بهره بردن سیاست های استعماری مدرن از دین پدیده جدیدی نیست، هرکجا که هالند، فرانسه، انگلیستان، اسپانیا و غیره کشورهای استعماری خیمه را پهن کردند، از همه اولتر موسیونرهای مذهبی را پیش انداختند. لکن قبل از کشورهاییکه از آنها نام برده شد، ترک های عثمانی طولانیترین ساختار استعماری مذهبی را در جهان داشتند، با آنکه گسترش اقتصاد اسلام بر پایه ذکات و جهاد بنا یافته است. اما امپراطوری عثمانی نسبت ضعف طبقاتی و فرهنگی که داشت، نتوانست از غارتی که بدست آورد، بدوران سرمایه صنعتی بکار اندازد، با سقوط امپراطوری عثمانی طول زمانی نکشید که کشور ترکیه نیز از نگاه فرهنگی و اقتصادی در ردیف کشورهای عقب مانده جهان قرار گرفت. آنچه که باعث رشد اقتصاد

ترکیه بعد از جنگ جهانی دوم گشت، بهره مالی چند ملیون کارگر ترکیه از آلمان غرب بود. تجمع این بهره نقدی به رشد اقتصادی ترکیه بسیار مفید بود.

ولی جوامع اسلامی بدون یک عده ی محدودی که از بابت - فروش نفت به شاهراه و ساختمانهای مجلل شبه مدرنیزم - رسیده اند، درکل جهان اسلام از نگاه فرهنگ مدرنیزم، انکشاف تکنالوژی، آزادی بیان، آزادی زن، فرهنگ انتقادی، دموکراسی و مدنیت گرایی و غیره امور اجتماعی از جوامع مدرن عقب مانده تر اند همه ما میدانیم که یکی از علل عمده ی پدیده ی عقب ماندگی در جوامع اسلامی کنونی وجود ساختار سیاسی و دولت های است که از پروسه عقلانیت برنخاسته و تکیه برخواست مردم نداشتند و ندارند. جمهوری اسلامی افغانستان بهترین نمونه این ادعا است .

پرسی که درباره ظهور داعش، القاعده، طالبان، بوکوحرام و غیره جریانات جهادی های اسلامی مطرح است، این است که خالق اصلی اینها کی است؟ ریشه این جریانات از کجا آب می خورد؟ جهالت و نادانی سیاستمداران برخی از کشورهای عقبمانده اسلامی مانند افغانستان، پاکستان و غیره یک سوقضیه است، سیاست های استعماری کشورهای سرمایه داری که در تولد نوزادانی مانند داعش و امثالهم دخیل اند، طرف دیگر قضیه است.

فراموش نکنیم که وجود داخلی که از مجموع عوامل مانند، رژیم های استبدادی، فقر اقتصادی و بیکاری، قوم گرایی و قبیله گرایی، تعلیم و تربیه و فقر فرهنگی که در برخی کشورهای منطقه جریان دارد ، درست وسیله ی و زمینه ی خوبی برای سیاست های استعماری است. حکومت افغانستان نمونه ی از سیاست های استعماری است. از روزیکه حکومت امریکا آقای کرزی را به حیث رئیس جمهوری معرفی کرد، نخستین حلقه او تشکلی از تحصیل کرده گان خارج دیده، جهادی ها، بزرگان قوم و قبائل و یک عده مافیای و قدرت طلبان دیگر بودند. همین وجود داخلی کشورهای اسلامی شرق میانه و افغانستان سبب بوجود آوردند، جهادی های افغان، طالبان، و امثالهم و غیره جهادی ها گردیده است. جهادگرایان اسلامی در مرحله اول محصول وجود داخلی خود ماست. برای اینکه در جامعه یکه مذهب دست بالائی در قانون و دولت دارد، ناهمگونی فرهنگی و اقتصادی محصول آن است.

حوزه شرق میانه، افغانستان و پاکستان از نگاه تاریخی و اجتماعی زمینه رشد گروه های مذهبی توحشگر را داشته و دارد. جریان پاکسازی های قومی و دینی در دوره پایانی عثمانی در منطقه وسیع مشترک بین عراق و ایران و سوریه و ترکیه آغاز شد. ارتش عثمانی در جریان جنگ جهانی اول به تصفیه این مناطق از مسیحیان بومی آن پرداخت. این کشتارها به قتل های عام "سیفو (Sayfo)" معروف هستند. دلیل این قتل عام ها بیشتر سیاسی و به جهت نگرانی از همپیمان شدن مسیحیان با نیروهای متفقین بود و البته اعلام جهاد سلطان محمد پنجم و فتوای شیخ الاسلام عثمانی نیز پشتیبان آن حوادث بود. تعداد قربانیان این سلسله کشتارها از همه مناطق حضور آشوریان اعم از ترکیه و ایران و عراق و سوریه در حدود ۲۵۰ هزار نفر برآورد می شود. چند دهه بعد نیز کشتار سیمیل (Simele) در سال 1933 در مناطق موصل، جان ششصد تا سه هزار مسیحی آشوری را گرفت.

کسانی که به تاریخ اسلام آشنایی دارند، می دانند که انشقاق مذهبی جدال، میان شیعه و سنی، یک پروسه تاریخی است. اما در طول سالیان بسیار، دوران هایی نیز وجود داشته اند که این دو گروه مذهبی آرامش را نیز در کنار یکدیگر احساس کرده اند، هر چند که دیری نپاییده است. همه ما میدانیم که کشور عراق که نزدیک به 60 درصد جمعیت آن شیعه و 20 درصد جمعیت سنی اند، از جمله کشورهایایی است که شیعیان و سنی ها بیش از هزار سال است که در آن زیست دارند، ولی

از نگاه سیاسی شکننده ترین کشور روی زمین بود. در نیم قرن اخیر، داستان سیاسی عراق سلطه‌ورزی و کشمکش میان گروه‌های حاضر در این کشور است. صدام حسین دیکتاتور عراقی در طول سال‌هایی که اقلیت سنی حزب بعث، قدرت را در عراق به دست گرفته بود، تعدادی از اکثریت شیعه و کرد های این کشور را در واقع از دم تیغ کشید.

همسایه عراق کشور ایران نیز با دارا بودن اکثریت شیعه و اقلیت اهل سنت جزو کشورهای در برگیرنده این دو گروه است. دیکتاتوری شیعی حاکم بر ایران نیز سال‌هاست که از طریق تبعیض و ایجاد محرومیت، اهل سنت ساکن در مرزهای خود را به عنوان ساکنانی درجه دوم فرض کرده و جنبش‌های اعتراضی آن‌ها را با کشتار و اعدام، سرکوب می‌کند. هم اکنون سنی‌ها در ایران با برگذاری نماز عید مشکلات دارند و از مدتی است که مولوی عبدالحمید رهبر سنی‌ها ممنوع الخروج است. رهبران شیعه و سنی این دو کشور در جنگی تمام عیار هشت سال از دوران زمامداری‌شان را گذراندند.

اما همه این جنگ‌ها و درگیری و تنش‌ها در دل سال‌های اخیر از کجا نشأت می‌گیرد، و پیش فرض های فکری‌ای که رهبران این تنش‌ها به آن استناد می‌کنند چیست، و تاثیرگذاری در کشورهای مسلمان و غیر مسلمان یک روی سکه و مبارزات گروه‌های سنی دیگر که القاعده و داعش جزئی از آن اند روی دیگر سکه است. وقتی دو هفته پس از پیروزی انقلاب ایران، آیت الله خمینی در سخنرانی خود از «همه کشورهای اسلامی در زیر یک دولت و یک پرچم» سخن گفت و این جمله را عنوان کرد که «یک دولت بزرگ اسلامی باید بر همه دنیا غلبه کند». این مساله را به تمام جهان گوشزد کرد.

اما آنچه امروز عراق را چون طوفان سهمناکی درمی‌نوردد و می‌رود تا آتش بروز جنگ داخلی را بیفزود، رقابت میان فرقه‌های مذهبی است که پس از سرنگونی صدام حسین و تثبیت نشدن دولت جدید روند رشد تازه‌ای به خود گرفته‌است. القاعده و نیروی شام به رهبری ابومصعب الزرقاوی از مهمترین این گروه‌ها در گرایش سنی‌ها بودند، اینکه تاریخ فرقه های مذهبی عراق تکرار می‌شود. اکنون نوبت داعش است .

با تسلط داعش در موصل عراق فرمان بربریت داعش که شهر پخش شده از این قرار است... " شما چهار گزینه پیش روی خود دارید: - خانه‌هایتان را ترک کنید، مسلمان شوید، جزیه دهید یا کشته شوید. این پیامی است که مسیحیان شهر موصل از سوی داعش دریافت کرده‌اند. خانه‌های مسیحیان شهر تک به تک شناسایی شده و بر دیوار و درهایشان نوشته‌ای با این مضمون درج شده است: "املاک حکومت اسلامی". در پی این اقدامات، خانواده‌های مسیحی هر چه داشته‌اند رها و به مناطق اطراف از جمله کردستان عراق پناه می‌برند. چیزی کم یک قرن پیش عمل زیر را عثمانها در عراق انجام دادند.

مردم عراق باید منظر باشند، زیرا شیوه‌ای که داعش این داستانها جنگ را برای اعضای خود نقل می‌کند، هنوز پیاپی نشده است . برای مثال داعش ماجرای یکی از فرماندهان حضرت محمد به نام خالد بن الولید را نقل می‌کند که در جنگی در قرن هفتم میلادی در اولایس عراق، ظاهراً برخلاف آموزه‌های اسلام، صدها اسیر خود را کشت، چرا که در مقابل خدا قسم خورده بود که چنانچه سپاه ایران را شکست دهد، رودی از خون به راه خواهد انداخت. وقتی که پس از شکست سپاه مقابل، به تعداد کافی انسان برای به راه افتادن رودی از خون کشته نشده بودند، او اسیران را کشت و درچه سدی را بر اجساد در حال خونریزی ایشان گشود. داعش این داستان را نقل می‌کند و می‌گوید که پیامبر اسلام به این فرمانده لقب

"شمشیر آخته خداوند" را داده بود و اولین خلیفه مسلمانان، ابوبکر، نیز او را ستوده بود. وقتی داعش اسرایش را می‌کشد، یک روحانی اسلامی این عمل را غیراسلامی می‌خواند، اما در مقابل داعش به راحتی مثال الولید را نقل می‌کنند.

نتیجه گیری

با سرنگونی جمهوری داوودخان، فرا رسیدن دوران حکومت حزب دموکراتیک خلق و شروع دوران هرج و مرج سیاسی در افغانستان آغاز شد، به تعقیب آن نهاد های جهادی های افغانستان توسط دستگاه استخبارات خارجی ساخته شد. در دیوانسالاری حکومت کرزی، مسیر تحولات رابطه دو نهاد دین و حکومت در افغانستان، پیچش تازه ای بخود گرفت که هیچ شباهت به ماجراهای حکومت پیشین افغانستان ندارد .

به عبارت دیگر، در این دوران، افغانستان با وضعیت جدیدی روبرو شده است که تا امروز سابقه نداشته است. این وضعیت نیز شرایطی را آفرید که «آب و خاک» افغانستان را مسموم ساخته است. این شرایط حاصل همین، سه دهه و نیم اخیر است. دینکاران جهادی قادر شده اند که زمام امور حکومت و قدرت را در دست بگیرند و در واقع حکومت را ضمیمه ای دیوانسالاری مذهبی خود کنند!

این قلم از زمان روی کار آمدن حکومت ائتلافی جهادی های افغان و آقای کرزی سه مقاله راجع سکولاریسم در وبسایت های افغانی در داخل و خارج چاپ کردم و یک طرح پیشنهادی در 2008 در وبسایت خوشه چاپ نمودم و خواستگار همکاری از روشنفکران شدم. تنها چند نفر از کابل، لندن و چند شهر آلمان و سانفرانسیسکو اظهار همکاری نمودند. سکولاریسمی که ما از آن دفاع میکنیم با سکولاریسم استبدادی استالینستی فرق بزرگی دارد. ما هیچگاه به آرزوی خراب کردن مساجد و خانقاه ها نیستیم. ما با مذهب و عقیده هیچکس سر دعوا نداریم اما حضور مذهب و ایدئولوژی هیچکس را در قانون اساسی و نهاد های حکومتی افغانستان و نصاب تعلیمی مدارس عمومی، نمی پذیریم. از آنجا که این «وضعیت جدید» طبعاً «شرایط جدید»ی را بوجود آورده است، می توان انتظار داشت که رویه و روش استقرار ضروری حکومتی سکولار و مدنیت گرای در افغانستان نیز باید با توجه به این وضعیت برنامه ریزی شود و، در نتیجه، ضروری است تا در این مورد به صورتی مفصل تر روشنفکران افغانستان به اندیشه و توضیح این پروسه بنشینند.

با عرض حرمت . تورنتو، کانادا می 2015

1) Abu Bakr Naji: 2006, the Management of Savagery. Translated by William McCants
Funding for this translation was provided by the John M. Olin Institute for Strategic Studies at Harvard University.

2 - وبلاگ پژوهشگر اندیشه در مورد آموزش روحانیون داعش برگرفته از مقاله «مدیریت توحش».

3- رادیو زمانه نوشته عادل عطار، امید منتظری 9 بهمن 1393 داعش: بنیادگرایی اسلامی، سیاست‌ورزی دولتی

4 - - کلام فارس، ایران. 6 بهمن 1393 شیوه آموزش «مدیریت توحش» توسط «روحانیون داعش»

5 - انجمن وبلاک نویسان جهرم. مدیریت توحش

